

تا تولید صنعتی در کشور ریشه‌دار نشود، توسعه صادرات صنعتی محقق نمی‌شود

اشاره:

در ارتباط با شیوه افزایش تولید و صادرات کالاهای صنعتی، کارشناسان اقتصادی عقاید گوناگونی دارند و راهبردهای مختلفی را برای تحقق آن پیشنهاد می‌کنند. اما آنچه مسلم است، با شرایط کلونی درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و فقدان چشم‌انداز روشن و مثبتی نسبت به بهبود افزایش درآمدهای نفتی، رشد صادرات غیرنفتی الزامی است. در این میان رشد سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی به لحاظ ایجاد ارزش افزوده بیشتر برای اقتصاد ملی و امکان بهره‌گیری فزاینده از منابع و توانمندی اقتصادی، ضروری به نظر می‌رسد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» درباره راه‌های چگونگی افزایش تولید و صادرات صنعتی، راهبردهای لازم برای رسیدن به انتخاب‌های دولت در بخش صنعت و نیز افزایش توان رقابت تولیدات صنعتی در بازارهای جهانی با آقای دکتر فرشاد مؤمنی عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی به گفت‌وگو نشست. وی که تاکنون کتاب‌هایی با عناوین «علم اقتصاد»، «بحران در اقتصاد ایران» و «کالبدشناسی یک برنامه توسعه» را به رشته تحریر درآورده است، به پرسش‌های خبرنگار ما چنین پاسخ داد:

■ چه اصولی در توسعه صادرات صنعتی نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کنند؟

□ به نظر می‌رسد در راهبرد توسعه صادرات صنعتی یک اصل موضوعه و غیرقابل تردید و یک مجموعه از انتخاب‌های راهبردی نقش تعیین‌کننده ایفا و مشخص می‌کنند که چرا گروهی از کشورها به دستاوردهای مثبتی دست می‌یابند و گروهی دیگر قادر به تحقق چنین دستاوردهایی نیستند.

آن اصل موضوعه و غیرقابل تردید این است که برای تحقق توسعه صادرات صنعتی، ابتدا باید تولید صنعتی در کشور ریشه‌دار شود و تا زمانی که چنین امری به‌وقوع نپیوندد امکان ندارد توسعه صادرات صنعتی محقق شود.

در کنار این موضوع مجموعه‌ای از انتخاب‌های راهبردی وجود دارد که باید به آنها نیز توجه کرد. نخستین نکته‌ای که مطرح می‌شود این است که موضوع برخورد با مسأله صادرات صنعتی به چه شکل باید باشد.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد صادرات غیرنفتی در طی چند دهه گذشته، زمانی به‌طور جدی در دستور مدیریت اقتصادی کشور قرار می‌گرفته که کشور از نظر چشم‌اندازهای درآمد ارزی نفت دچار مشکل می‌شد، به این خاطر به‌صورت کاملاً انفعالی و شتاب‌زده و با اتخاذ تدابیر و تمهیداتی که فقط در کوتاه‌مدت بازدهی داشته، یک سلسله اقدامات صورت می‌گرفته است.

معمولاً هنگامی که از موضع اضطرار و در واکنش نسبت به نوسانات درآمدهای نفتی به سمت صادرات متمایل می‌شویم، زمان کافی برای انجام کارهای بنیادی و اصولی که راهگشای استمرار این فرآیند با مضمون توسعه‌ای است را در اختیار نخواهید داشت.

به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط فعلی و چشم‌انداز درآمدهای نفتی، اینک زمان آن رسیده که از عجله و شتابزدگی دست برداشته و با عقل سلیم و تکیه بر مجموع دستاوردهای نظری و تجربی، یک نگاه راهبردی به مسأله صادرات صنعتی انداخته شود.

در این زمینه یکی از موضوع‌های حایز اهمیت آن است که مدیریت توسعه

کشور به جمع‌بندی روشنی درباره نحوه تخصیص منابع و مکانیزم (شیوه‌های) انگیزشی برسد.

این مکانیزم باید تدارک دیده شود، به گونه‌ای که به تدریج فعالیت‌هایی که در چارچوب الگوی سنتی - استعماری تقسیم کار بین‌المللی کار می‌باشد و کشورهای توسعه‌نیافته را ناگزیر به صدور مواد خام و صنایع دستی می‌کند از دستور کار مدیریت توسعه کشور خارج شود. در همین حال ضرورت دارد که تشویق‌هایی که به صورت ناآگاهانه به آن الگوی نامطلوب دامن زده است، به حداقل برسد. در مقابل بسترها و زمینه‌های لازم برای ایجاد گرایش به فعالیت‌های صنعتی فراهم گردد.

در ادامه این موضوع، البته مباحث بسیار پیچیده و انتخاب‌های

راهبردی گسترده‌ای وجود دارد که در رویکرد اصالت و اولویت فعالیت‌های صنعتی باید معلوم شود. این که تشویق‌ها چگونه باید سازماندهی شوند؟ چگونه می‌توان مزیت‌های پویای اقتصاد ملی را به اعتبار ملاحظات آینده شناخت؟ تحولات آتی جهان و کانون‌های اصلی رقابت در پهنه بازارهای جهانی کدامند تا در جای خود بتوان آنها را به صورت مستقل مورد توجه قرار داد.

نکته دیگری که در شرایط کنونی یک مانع در برابر تولید و توسعه صادرات صنعتی می‌باشد، آن است که سیستم اقتصادی ایران به گونه‌ای سازماندهی شده است که از فرآیند تولید و صدور محصولات اعم از سنتی و صنعتی، حداکثر ارزش افزوده نصیب کسانی می‌شود که نقش و سهمی در تولید ندارند. این موضوع از یک سو موجب

می‌شود درآمدهای حاصله به طور عمومی صرف کالاهای غیرضرور بشود و به این ترتیب اختلاف‌های معنی‌دار در الگوی مصرف جامعه ایجاد می‌کند و از سوی دیگر موجب می‌شود تولیدکنندگان از منابع کافی برای افزایش ظرفیت‌های تولید، نوین‌سازی واحدهای تولیدی، انجام تحقیق و توسعه در جهت نوآوری و افزایش بهره‌وری محروم شوند و لذا فرآیند عقب‌ماندگی صنعتی ایجاد می‌شود که آثار و عواقب آن به طور ریشه‌دار گریبان صادرات صنعتی کشور را خواهد گرفت.

به نظر من به توسعه صادرات صنعتی باید دقت کافی مبذول داشت و این موضوع باید به صورت سیستمی دیده

○ در کنار ضرورت ریشه‌دار شدن تولید صنعتی در کشور برای رشد صادرات صنعتی، توجه به مجموعه‌ای از انتخابه‌های راهبردی ضروری است.

شود. به عبارت دیگر تمام سیستم‌ها اعم از سیستم‌های یارانه‌ای تشویقی و مالیات و عوارض که معطوف به این موضوع هستند، باید به گونه‌ای سازماندهی شود که سهم دو گروه از کل ارزش افزوده ایجاد شده در اثر تولید و صادرات به حداکثر برسد. در درجه اول باید سهم آنهایی که تولید می‌کنند و در درجه بعدی سهم آنهایی که سود حاصله را به جای آنکه صرف مصارف غیرضرور کنند، صرف افزایش ظرفیت‌های تولید، باروری و افزایش بهره‌وری تولید می‌کنند.

آخرین نکته در این زمینه این است که مطالعات انجام شده در زمینه تشویق‌های صادراتی نشان می‌دهد، آنچه که عنصر اصلی در رقابت صنعتی در بازارهای جهانی است، ظرفیت‌های نرم‌افزاری موجود در فرآیند توسعه صادرات صنعتی می‌باشد که باید در

فرآیند تولید صنعتی بدان توجه داشت. توسعه صادرات صنعتی مستلزم آن است که سیستم پاداش‌های اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای تنظیم شود که درآمد و منزلت در بالاترین سطح در اختیار کسانی قرار گیرد که فعالیت‌های آنان مضمون توسعه‌ای دارد. بدون انجام این کار در واقع به ظرفیت‌های انسانی خود علامت درستی نداده‌ایم. فقط از این طریق است که می‌توان امکان جهش‌های تولیدی و صادراتی در بخش صنعت را انتظار داشت.

■ آینده سهم صنعت در تجارت خارجی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ در مفهوم فرآورده‌ها و صادرات

صنعتی که در سیستم حساب‌های ملی ایران به کار می‌رود، مباحثی وجود دارد و بسیاری از فعالیت‌هایی که

به هیچ وجه مضمون و محتوای توسعه ندارند و ناظر به صنعت کارخانه‌ای نیستند، جزو اقلام این مجموعه به حساب می‌آید. در شرایط کنونی با قاطعیت می‌توان گفت اقتصاد کشور وضع نگران‌کننده‌ای در سهم صنعت در تجارت خارجی دارد و چشم‌اندازهای آتی نیز از عرصه‌هایی که قبلاً توضیح داده شده، متأثر می‌شوند.

باید دید که مدیریت توسعه کشور و سیستم سیاست‌گذاری چگونه عمل می‌کنند. اگر روندهای پیشین استمرار یابد، بیشترین دل‌مشغولی از موضع انفعالی بر روی کالاهای سنتی و ابتدایی که در آن سهم دستاوردهای نوین علمی و فنی بسیار ناچیز است، باشد. بیشترین تشویق‌ها به ترویج واسطه‌گری و حداقل رساندن بهره‌مندی تولیدکننده معطوف شود و همچنین سیستم‌های بازدارنده‌ای

که امکان افزایش ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سرمایه‌های را در تولید صنعتی می‌گیرند، همچنان باقی بمانند، به‌طور طبیعی باید انتظار داشت که اوضاع از هم‌اکنون بدتر می‌شود.

اما اگر این دگرگونی‌ها به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد و به موضوع صادرات صنعتی از زاویه یک نگرش راهبردی برخورداری شود و مسایل آن به‌طور بنیادی برطرف شود، بالطبع با توجه به مجموعه توانمندی‌هایی که در اقتصاد ایران از جنبه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری وجود دارد، ایران به‌سرعت جهش‌های بزرگی را در زمینه افزایش سهم صنعت در تجارت خارجی تحصیل خواهد کرد.

سیاست‌گذاری‌های بخش صنعت چگونه باید باشد تا رشد صادرات صنعتی حاصل شود؟

این موضوع یک طیف چندوجهی از مسایل را دربرمی‌گیرد، یعنی به همان اندازه که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در این زمینه راهگشا است، از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز باید اقدامات و تمهیدات متناسب با این موضوع، تدارک دیده شود. برای مثال در عرصه مدیریت سیاسی کشور، این درک و نیاز باید به‌صورت راهبردی جلوه‌گر شود.

به‌واسطه آنکه از درآمدهای حاصل از نفت استفاده می‌شود، همواره در دوران‌های افزایش

درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت، در معرض پدیده‌هایی مانند بیماری «هلندی» قرار داریم که آثار سوء خود را بر فرآیند تولید صنعتی تحمیل می‌کند. مواجهه عالمانه به این مسأله امکان‌پذیر

نیست، مگر آنکه یک تعهد و اراده جدی سیاسی وجود داشته باشد که در برابر فشارهایی که به دنبال افزایش درآمدهای نفتی ایجاد می‌شود و دروازه‌های کشور را بر روی کالاهای خارجی به‌طور غیرمنطقی باز می‌کند، مقاومت کند.

باید در سطح مدیریت سیاسی کشور، مدیریت تخصیص بهینه منابع سازماندهی شود و اصلاحات بنیادی در مدیریت و نیز هزینه‌های ارزی و ریالی کشور ایجاد شود و از این طریق اجازه داده نشود که در اثر افزایش درآمدهای نفتی، تولید صنعتی و کشاورزی دچار مشکل شوند.

از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز سیستم پاداش اجتماعی باید به‌گونه‌ای سازماندهی شود که هر کس که به سوی فعالیت‌های انگلی و ناسالم رفت، احساس شرم کند و منزلت اجتماعی خود را از دست بدهد و آنان که در خدمت فرآیند توسعه ملی هستند، از منزلت اجتماعی متناسب نیز برخوردار شوند. سرانجام نیز تمهید فهم دیگری که موردنیاز است، آن است که باید به یک درک عالمانه از موقعیت کنونی خود در نظام جهانی دست پیدا کنیم و اقتضانات این موقعیت رعایت شوند.

برای مثال همه می‌دانند که آزادسازی اقتصادی در ساخت سلسله‌مراتبی قدرت

○ سیستم اقتصادی ایران طوری سازماندهی شده که حداکثر ارزش افزوده از فرآیند تولید و صادرات محصولات سنتی و صنعتی نصیب کسانی می‌شود که نقش و سهمی در تولید ندارند.

در پهنه بین‌المللی برای قدرتمندان فوق‌العاده پر دستاورد و برای ضعیف‌ترها فوق‌العاده پرهزینه است. بنابراین اگر در شرایطی که کشور از نظر سطح قدرت اقتصادی، علمی و فنی قادر به قدرت

چانه‌زنی بالا با کشورهای دیگر نیست، نباید کسانی به‌صورت غیرمنطقی اصرار به آزادسازی تجاری در عرصه روابط با آن کشورها داشته باشند.

این موارد چنانچه به‌صورت سازمان‌یافته و سیستمی مورد توجه قرار گیرند، می‌توان امید داشت وضعیت توسعه صنعتی و در پی آن صادرات صنعتی بهبود یابد.

ارزیابی شما از اثرات محدودیت‌های مالی روی توسعه صادرات صنعتی چیست؟

□ محدودیت‌های مالی که مدیران صنعتی در شرایط فعلی با آن دست به‌گریبان هستند، یک واقعیت انکارناپذیر است.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که این موضوع بازتابی از جهت‌گیری ناصحیح مدیریت اقتصادی است.

این مجموعه با اجرای سیاست تعدیل ساختاری، خسارت‌بارترین هزینه‌ها را بر تولید و توسعه ملی در ایران تحمیل کرد. یکی از وجوه آن کمبود یا بحران نقدینگی است که در اثر تضعیف بی‌منطق و فوق‌العاده وحشتناک ارزش پول ملی ایجاد شد.

در سال‌های گذشته گروهی سعی کرده‌اند که نارسایی‌های ناشی از تعدیل ساختاری در اقتصاد ایران را محدود به

اجرای نادرست این سیاست‌ها کنند، در حالی که ارزیابی‌های موجود در سطح جهان نشان می‌دهد، گرچه اجرای «بند» به‌عنوان یکی از

عوامل بحران‌آفرینی برنامه تعدیل ساختاری می‌تواند باشد، اما مسأله اصلی و مهم‌تر، وجود ناسازگاری‌ها و تناقضات بی‌شمار درونی در مجموعه سیاست‌های تعدیل ساختاری است. به نظر من تا

زمانی که اصلاحات بنیادی اشاره شده، صورت نگیرد و این جمع‌بندی به‌دست نیاید که از راه تعدیل ساختاری راهی برای نجات اقتصاد ایران وجود ندارد، این مشکلات استمرار خواهند داشت.

صادرات صنعتی را نیز به‌دنبال داشته باشد.

کارشناسان اقتصادی توزیع ناصحیح سرمایه را دلیل کاهش صادرات صنعتی می‌دانند. نظر شما

نمی‌شود. به واسطه ناهنجاری‌هایی که در الگوی تخصیص منابع ایران وجود داشته، از این نظر هم یک عدم تناسب بسیار شدید وجود دارد.

براساس آخرین مطالعاتی که صورت

گرفته است، میزان ظرفیت‌های فیزیکی نصب و سوار شده در اقتصاد صنعتی ایران بسیار فراتر از ظرفیت‌های سرمایه‌ای انسانی کشور است. به همین دلیل حجم بسیار

زیادی از منابع سرمایه‌گذاری شده در این عرصه اینک قابل استفاده نیست و کشور از این نظر نیز خسارت‌های قابل توجهی را متحمل می‌شود.

به نظر شما توسعه صادرات صنعتی منوط به توجه به صنایع کوچک است یا بزرگ؟

□ این انتخاب‌های قطبی در واقع بیش از ۳۰ سال است که جای خود را به رویکردی داده است که معطوف به ترکیب خردمندانه این دو است.

به تعبیر برخی نظریه‌پردازان به همان اندازه که کوچک زیباست، بزرگ هم زیباست، به شرطی که توان و تناسب در ترکیب این دو رعایت شود.

اگر تصور شود با اتکاء محض به واحدهای کوچک یا با اتکاء محض به واحدهای بزرگ می‌توان به توسعه صادرات صنعتی رسید، شواهد تجربی نشان می‌دهد که چنین نیست و باید یک ترکیب خردمندانه‌ای از واحدهای کوچک و بزرگ را به‌صورت تکمیل‌کننده یکدیگر تدارک دید. البته این تناسب برحسب سطح پیشرفت صنعتی کشور و بر اثر سطح ظرفیت‌های انسانی و فیزیکی موجود در کشور و براساس اولویت‌گذاری‌های توسعه صنعتی است و باید به‌صورت موردی و در رشته‌های

چيست؟

□ این موضوع از جهات متعددی قابل طرح است. اما یکی از نکات بسیار عبرت‌آموز آن است که در دوره تعدیل ساختاری که ادعا می‌شد از طریق آزادسازی‌ها تخصیص بهینه منابع اتفاق می‌افتد، بالاترین سطوح ناهنجاری در این زمینه به‌وجود آمد.

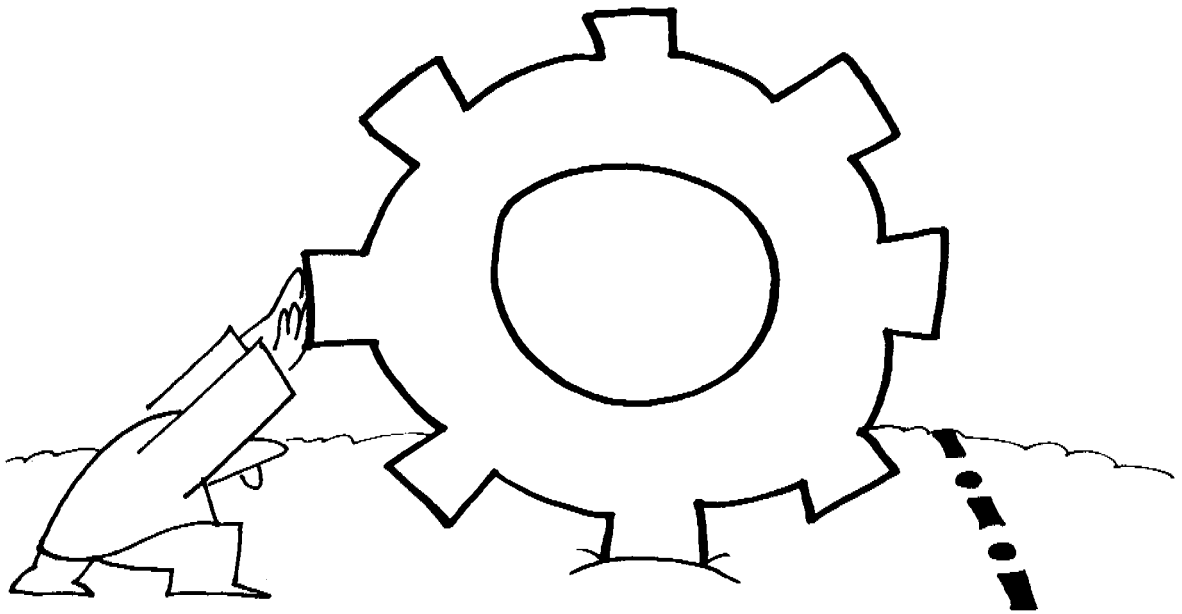
در بسیاری از زمینه‌ها که کشورها نیاز خاصی نداشته، منابع ارزی و ریالی اختصاص یافته چندین برابر نیاز داخلی بوده است. برای مثال صنعت فرش ماشینی. ظرفیت‌های ایجاد شده در این صنعت به‌هیچ‌وجه متناسب با تقاضای داخلی نبوده است.

ده‌ها مورد دیگر نیز وجود دارد که مدیریت تعدیل ساختاری از طریق سوء تخصیص منابع، اتلاف‌های وسیع منابع ارزی و ریالی را بر اقتصاد ایران تحمیل کرده و با کمال تأسف این یک واقعیت است.

نکته مهم دیگری که معمولاً کمتر به آن توجه می‌شود، این است که معمولاً در فرآیندهایی که مضمون توسعه‌ای دارند، در تخصیص منابع تناسبی میان ظرفیت‌های ایجاد شده در عرصه سرمایه‌های فیزیکی با سرمایه‌های انسانی موجود در جامعه رعایت

آیا خصوصی‌سازی در توسعه صادرات صنعتی مؤثر خواهد بود؟
□ موضوع خصوصی‌سازی مانند هر ابزار

سیاستی دیگری که در اختیار مدیریت اقتصادی کشور است، تحت شرایطی می‌تواند به دستاوردهای مثبت بیانجامد. اما شواهد موجود نشان می‌دهد فعلاً چنین شرایطی به‌صورت کلان در اقتصاد ایران وجود ندارد. جهت‌گیری فعلی دولت نیز براساس شواهد موجود این نیست که به خصوصی‌سازی به‌عنوان ابزاری در جهت افزایش بهره‌وری، کاهش ضایعات و بهبود کیفیت تولید بیانجامد، بلکه دولت از یک موضع کاملاً انفعالی و به‌عنوان واکنشی در برابر محدودیت‌های شدید مالی خود اقدام به خصوصی‌سازی می‌کند، در چنین فرآیندی معمولاً خصوصی‌سازی‌ها بسیار شتابزده هستند و به‌هیچ‌وجه تمهیدات موردنیاز از قبیل سالم‌سازی‌ها و اتخاذ تدابیر لازم برای دستیابی به مجموعه‌ای از تضمین‌ها برای احراز اطمینان نسبت به تحقق اهداف اعلام شده خصوصی‌سازی اتفاق نمی‌افتد و در عمل ناهنجاری‌ها را دامن می‌زند. اما اگر تحت شرایط دیگری با اندیشه و به‌صورت موردی روی خصوصی‌سازی فعالیت شود، مطمئناً این ابزار یکی از مجموعه ابزارهایی است که می‌تواند در جهت پیشبرد اهداف توسعه ملی در خدمت مدیریت اقتصاد کشور قرار گیرد و در نتیجه توسعه



مختلف صنعتی به طور دقیق، یک به یک بررسی شوند و پس از آن رأی نهایی صادر شود.

در این موضوع به صورت ابتدا به ساکن نمی توان یک حکم برای کل صنایع موجود در زمینه توسعه صادرات صنعتی ارایه داد.

■ آیا فعالیت مناطق آزاد ایران می تواند در توسعه صادرات صنعتی مؤثر باشند؟

□ مناطق آزاد براساس همین تفکر پایه گذاری شدند، اما آنچه که اتفاق افتاد عملاً ضد اهداف اعلام شده بود.

مناطق آزاد در تمامی جهان اگر کوچک ترین موفقیتی نشان دهند، این موقعیت ناظر بر شرایطی است که قبلاً در آن اقتصادها مسایل تولید به صورت بنیادی حل شده است. تا زمانی که این مسایل در ایران حل نشود، رویکردهای این گونه ای فقط فرآیندهای اتلاف منابع ارزی و ریالی کشور را تسریع می کنند و کارکردهای با مضمون توسعه ای نخواهند داشت.

■ آیا فن آوری در توسعه صادرات صنعتی می تواند نقش کلیدی داشته

باشد؟

□ به طور مسلم یکی از انتخاب های راهبردی در هر تجربه توسعه ملی، انتخاب هایی است که مربوط به بالندگی فن آوری است.

تردیدی نیست که امروز حرف اول را در صحنه رقابت جهانی، «فن آوری» می زند. اگر بتوانیم به انتخاب خردمندانه ای برسیم که به درونی شدن و بالندگی فرآیندهای بهبود فن آوری بیانجامد، به یقین ساختار تولیدی اصلاح خواهد شد و به تبع آن توان صادرات صنعتی افزایش خواهد یافت.

■ به نظر شما ایجاد شهرک های صنعتی می تواند در توسعه صادرات صنعتی دخیل باشد؟

□ به نظر می رسد اقتصاد ایران در عرضه تولید صنعتی با مجموعه ای از موانع بنیادی و تاریخی روبرو است که باید به صورت سیستمی تمامی این مسایل شناسایی و برطرف شوند. تا زمانی که موانع بنیادی حل نشوند، گرایش به تولید صنعتی و سرمایه گذاری صنعتی در کشور محدود خواهد بود.

مسلماً وقتی که مجموعه نارسایی ها و

ناامنی هایی که منجر به خطرگریزی بخش خصوصی در فعالیت های صنعتی می شود، برطرف شد، شهرک سازی صنعتی به عنوان یکی از فرآیندهای تسهیل تولید و صادرات صنعتی می تواند در دستور کار قرار گیرد. اما زمانی که هنوز مسایل بنیادی حل نشده، طبیعی است که نباید انتظار دستاوردهای خارج از حدود مقدرات این شهرک ها داشته باشیم.

تجربه شهرک های صنعتی در حوزه شهری و هم در حوزه روستایی یک نکته را گوشزد می کند و آن این است که ابتدا باید برای ریسک گریزی بخش خصوصی چاره ای اندیشید تا مؤلفه های این ریسک گریزی شناسایی و با آنها برخورد نشود. شهرک سازی به تنهایی نمی تواند تمامی دستاوردهای مورد انتظار را به بار آورد.

■ برای گرایش از صادرات سنتی به صنعتی در جهت افزایش صادرات چه باید کرد؟

□ دگرگونی های توسعه ای، چندوجهی هستند. یعنی نمی توان فقط به تمهید لوازم مورد نیاز در حوزه اقتصاد

مدیریت توسعه کشور با وقوف به این مسأله مهم، هوشمندی بیشتری از خود نشان دهد.

■ آیا نوین‌سازی تجاری می‌تواند عاملی در جهت توسعه صادرات صنعتی باشد؟

□ پس از آنکه همهٔ پیش‌نیازهای زیربنایی برای بالندگی تولید صنعتی تدارک دیده شد، تمهیداتی از قبیل نوین‌سازی تجاری می‌تواند به‌عنوان عنصر تسهیل‌کننده فرآیند تجارت، در خدمت کشور باشد. اما تا زمانی که با اصل تولید هنوز برخورد اصولی نشده، طبیعی است فعالیت‌هایی از این دست، دستاوردهای مورد انتظار را به دنبال ندارد.

■ توصیه شما به کسانی که دست‌اندرکار صادرات صنعتی هستند و سیاست‌گزارانی که توسعه صادرات صنعتی را دنبال می‌کنند، چیست؟

□ معمولاً فرآیندهای تصمیم‌گیری در ایران، فرآیندهایی شتابزده و به‌طور عمده با رویکرد تک‌سبب‌بینانه است. توصیه کلی این است که باید یک بار برای همیشه دست از شتابزدگی بردارند و از طریق عمومی کردن مسایل راهبردی کشور و با بهره‌گیری از حداکثر سرمایه‌های انسانی موجود ولو با صرف وقت بیشتر به اخذ تصمیم‌های سنجیده و قابل عمل با مضمون توسعه‌ای، دست پیدا کنیم.

مسلماً اگر چنین تصمیم‌هایی با چنین مکانیزمی اتخاذ شوند، به‌سرعت قابل اجرا و عمل خواهند بود و بنابراین همهٔ زمان‌هایی که در مرحلهٔ اول صرف شده، تبدیل به دستاوردهایی بارور و بالنده و در خدمت توسعه ملی خواهد بود.

را در برابر رویکرد پویا مورد توجه قرار می‌دهد. به اعتبار تکیه بر ظرفیت‌های انسانی گفته می‌شود مزیت‌های ایستا لزوماً مضمون توسعه‌ای ندارند، اگر نگوییم که عمدتاً مضمون غیرتوسعه‌ای دارند.

بنابراین مزیت‌های جدید به اعتبار ظرفیت‌های سرمایه انسانی باید خلق و ایجاد شود. برای تحقق چنین فرآیندی طبیعتاً برنامه‌های متناسب با پیچیدگی ابعاد و اهمیت مسأله مورد نیاز خواهد بود.

■ آیا توسعه صادرات صنعتی در صنایع کثیف که به کشورهای در حال پیشرفت تحمیل می‌شود، امکان‌پذیر است؟ برخی از این صنایع عبارتند از چرمسازی و فولاد.

□ مسلم است که موضوع بحران محیط زیست مسأله بسیار جدید و بااهمیتی است. کشورهای صنعتی در مواجهه اولیه با بحران محیط زیست بر این گمان بودند که می‌توانند طبق معمول و سنت گذشته بخشی از بحران‌های موجود در کشورهای خود را به کشورهای توسعه‌نیافته تحمیل و منتقل کنند. بنابراین چنین فرآیندی در چارچوب راهبرد انتقال بحران سازماندهی شده است. واقعیت این است که ظرفیت‌های کارشناسی و هوشمندی مورد نیاز در مدیریت توسعه کشور با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو بود. به گمان من در این فرآیند مسأله اصلی و محدودیت عمده در داخل کشور وجود داشت. بنابراین دربارهٔ آنچه که تاکنون اتفاق افتاده، می‌توان با حساسیت بیشتر فرآیندهای طی شده در کشورهای صنعتی را تشویق کرد و دامن زد، به‌طوری که آثار و عوارض زیست‌محیطی آنان را به حداقل رساند. اما انتظار می‌رود از این پس

بسنده کرد و از پیش‌نیازها و ضرورت‌های موجود برای تحقق این ایده در سایر زیربخش‌های نظام اجتماعی غفلت کرد. برای مثال تا زمانی که مسأله ناامنی به هر شکل در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور وجود دارد، به‌طور اصولی فعالیت‌های بالنده و توسعه‌ای ریشه‌دار نمی‌شود.

به‌نظر من رویکرد جدیدی که در جامعه ایران مطرح شده و آن را به‌عنوان استقرار نهادهای مدنی و حاکمیت قانون مشاهده می‌کنیم، از پیش‌نیازهای مهم در این زمینه است و بنابراین به هر میزان که این رویکرد نهادی شود، در واقع فضایی برای امکان رقابت مسالمت‌آمیز و غیرخشونت‌ورزانه سیاسی و اقتصادی را برای کسب قدرت و ثروت به‌وجود آورد، می‌توان امیدوار بود، این فرآیند با سهولت بیشتری طی شود.

■ مزیت‌های نسبی در چه کالاهایی در جهت توسعه صادرات صنعتی است؟

□ این بحث یکی از بحث‌های پیچیده مربوط به تجارت بین‌المللی است. دو الگوی فکری مسلط در گذشته در این عرصه وجود داشتند که امروزه به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

- الگوی اول الگویی بود که مزیت‌های نسبی یا مطلق را فقط به اعتبار وفور عوامل طبیعی تعریف می‌کرد، در حالی که امروز اتفاق نظر عمومی بر آن است که مزیت مطلق یا نسبی هر کشور اگر بخواهد خصلت پایدار داشته باشد، باید به اعتبار ظرفیت‌های سرمایه‌ای انسانی تعریف شود و مزیت‌های فیزیکی جزو مزیت‌های بسیار کم‌اهمیت است. شواهد تجربی بسیاری نیز این مسأله را نشان می‌دهد.

- الگوی مهم دیگری که وجود دارد، این است که ایده مزیت‌های مطلق ایستا